

دیدگاه نظریات روابط بین‌الملل به تحول اطلاعاتی و تأثیر آن بر مفهوم امنیت (با تأکید بر تئوری‌های رئالیسم، لیبرالیسم و سازه‌انگاران)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۰۳/۰۳
 تاریخ تأیید نهایی: ۱۳۹۱/۰۱/۲۵

دکتر سعید وثوقی*
 احسان شیخون**

چکیده

امنیت به عنوان یکی از محوری‌ترین نیازهای بشر و به عنوان یکی از مفاهیم مهم روابط بین‌الملل همواره مورد توجه پارادایم‌های روابط بین‌الملل بوده است. این پارادایم‌ها در واقع محصول تحولات تاریخی مقاطع مختلف زمانی بوده‌اند. از این رو با وقوع تحولات جدید در عرصه نظام بین‌الملل، قدرت تبیین این پارادایم‌ها نیز با مشکل مواجه شده است. با ورود به عصر اطلاعات و تحولات ناشی از آن، پارادایم‌های غالب همانند قبل، قادر به تبیین صحیح مقوله امنیت بین‌الملل نیستند. سبب اصلی این ناکارایی و شکاف را بایستی در توجه نکردن به ساخت‌شناسی چارچوب کارکردی امنیت، یعنی ساخت‌نظام تازه بین‌الملل جستجو کرد.

مقاله حاضر به دنبال بررسی این پرسش است که با توجه به تحولات کنونی در عرصه اطلاعات و به تبع آن، جهان سیاست، آیا تئوری‌های روابط بین‌الملل قادر به تبیین پدیده امنیت هستند؟ مفروض مدّ نظر ما این است که بر اثر تحول در عرصه اطلاعات، تئوری‌های روابط بین‌الملل به خوبی قادر به تبیین مفاهیم سیاست بین‌الملل از جمله مفهوم امنیت نیستند. در ادامه سعی می‌شود به موضوعاتی همچون دیدگاه تئوری‌های روابط بین‌الملل و تحول اطلاعات و بررسی تأثیرگذاری تحول اطلاعات بر امنیت، پرداخته شود.

واژگان کلیدی: تحول اطلاعات، امنیت، رئالیسم، لیبرالیسم، سازه‌انگاری، تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی.

کاروان رفت و تو در خواب و بیابان در پیش
 وه که بس بی خبر از غلغل چندین جرسی
 (حافظ)

قرن بیست و یکم دوران فروریختن آوار فرضیاتی است که تاکنون بشر آنها را اصل مسلم و لایتغیر جهان می پنداشته و تصور نمی کرده که مثلاً روزی ممکن است قدرت دانایی از قدرت نظامی بیشتر شود و این گفته فردوسی پس از گذشت حدود هزار سال چنان در جامعه بشری مصداق پیدا کند که حتی تافلر هم فریاد برآورد: «توانا بود هر که دانا بود» و نیز در قرن آینده همه در همه جا هر زمان آغاز سخن کنند، ابتدا بگویند: «به نام آنکه جان را فکرت آموخت».

در این میان مهمترین عاملی که باعث چنین رخدادی شده است، فناوری های نوین است. فناوری نه تنها ابزار و نه تنها دانش بلکه مجموعه ای از دانش هاست با دسته ای گسترده و در برگیرنده معارف سامان مند و اصول مند و معارف غیر سامان مند (یعنی تجربه های به دست آمده از محیط زیست، محیط اجتماعی و خانواده و... و زمانی که آنها در راستای حرکت ها و تلاش های اخلاقی، آموزشی، پیوندها و بستگی های اجتماعی و... استفاده می شود به معارف سامان مند بدل می شود)، منتهی با این ویژگی این دانش ها نه به خاطر این که دانش هستند کنار هم قرار می گیرند، بلکه کنار هم قرار گرفتن آنها در جهت هدف معینی طرح ریزی شده است. در هر دوره ای از تاریخ بشریت، فناوری باعث تحول های ژرف و گسترده ای در زندگی انسان ها شد. بر این اساس جوامع انسانی روز به روز با استمداد از فناوری، مهارت های تحلیلی خود را افزایش دادند و قادر گردیدند حیاتی نو برای خود به ارمان بیاورند. به دلایل مختلف از پیشرفت فناوری اطلاعات گرفته تا ظرافت های بیشتری که زندگی در یک دنیای به هم وابسته دارد، امروزه افراد بهتر می توانند بفهمند که چه جایگاهی در امور بین المللی دارند و چگونه رفتارهایشان می تواند یک کاسه شود و به نتایج جمعی بزرگ و مهمی منتهی گردد و سرانجام دیری نخواهد انجامید که در میان این آشوب، نظم نوینی متولد خواهد شد و حیات انسان ها برای چندمین بار انقلابی دیگر را پشت سر خواهد گذاشت.

از این نظر، برداشت متفکران سیاسی از مفهوم امنیت، همواره با تحولات نظام

جهانی، پویا و فعال بوده است. با تحول نظم حاکم بر روابط بین‌الملل، مفاهیم مربوطه و از جمله امنیت بین‌المللی تعریف جدیدی خواهد یافت. این نکته را از رهگذر تأثیرات جدی تحولات بین‌المللی بر تئوری‌های روابط بین‌الملل نیز می‌توان نشان داد؛ زیرا هر دیدگاهی به شدت به عنصر زمانی و مکانی خاصی بستگی دارد.

در ادامه به بررسی و تحقیق درباره ضرورت امنیت در عصر اطلاعات؛ ارائه توضیحات پیرامون عملکرد داده‌ها و امنیت اطلاعات در روابط بین‌الملل و بررسی‌های امنیتی از منظر تئوری‌های روابط بین‌الملل خواهیم پرداخت. سپس در مورد این که سه تئوری مهم روابط بین‌الملل یعنی لیبرالیسم، رئالیسم و سازه‌انگاری چگونه امنیت را در عصر اطلاعات مشخص و معرفی می‌کنند، بحث خواهیم کرد.

۱. تحول اطلاعات، امنیت و روابط بین‌الملل؛ معانی و مفاهیم

محققان و کارشناسان اجتماعی همه بر این اصل توافق دارند که کشورها و جوامع سرتاسر جهان چه خوب و چه بد عمیقاً به فناوری اطلاعات نیازمند و وابسته‌اند. گسترش و وابستگی به فناوری اطلاعات و ارتباطات مانند اینترنت، ایمیل، ماهواره و تلفن‌های همراه در سطح جهان با سرعت قابل ملاحظه‌ای در حال گسترش است. بدون شک، شبکه اینترنت نمونه بارزتر و قابل توجه تری محسوب می‌شود.

در اوایل دهه ۱۹۹۰ تنها تعداد محدودی از وب‌سایت‌ها وجود داشت اما امروزه شبکه اینترنت مجهز به میلیون‌ها وب‌سایت در زمینه‌های گوناگون و مختلف شده است. کاهش مداوم هزینه‌های ارائه، به کارگیری و انتقال اطلاعات، باعث شده تعداد افرادی که با فناوری‌های اطلاعاتی در ارتباط هستند روز به روز افزایش یابد. (Choucri, 2000: 63-91 ; Nye, 2004a: 11-15, 2004b: 163-170) اما از لحاظ دستیابی به این تکنولوژی‌ها و استفاده از آن، هنوز اختلاف رقم فاحشی میان کشورهای شمال و جنوب (فقیر و غنی) وجود دارد. (Hammond, 2001: 96-100) (Norris, 2001: 70-94)؛ امروزه کاهش هزینه تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی باعث گسترش و غیر متمرکز شدن آنها گردیده، به گونه‌ای که امروزه بحث از شمال و جنوب اطلاعاتی یا مرکز-پیرامون اطلاعاتی است.

برخی معتقدند که دولت در زمینه تأمین امنیت در عصر اطلاعات مهره اصلی به حساب می‌آید، نقش آنها تأمین کردن امنیت حتی در فضای مجازی شبکه‌های اینترنتی است. (Fountain, 2001: 97-115) برخی دیگر می‌گویند ضرورت

«شبکه‌های مجازی» و نظام اقتصادی اشاره به پایان بخشیدن خشونت بین دولت‌ها دارد و این که امنیت نسبت به گذشته نقش کمرنگ تری پیدا کرده است. این پیش‌بینی خوش‌بینانه، آینده‌ای را با صلح و آرامش بین‌المللی در سرتاسر جهان به تصویر می‌کشاند. (Rosecrance, 1999: 24) سایرین معتقدند که تحول اطلاعاتی باعث افزایش و پیشرفت چشمگیر تأثیرگذاری بازیگران غیر دولتی، سازمان‌ها، شرکت‌های چند ملیتی، خصوصی و تحرکات مدنی می‌شود. در این صورت فعالان غیردولتی به مثابه تأمین‌کنندگان امنیت، ممکن است مدعیان ایجاد امنیت شوند. (Castells, 1998: 27-40; Henry and Peartree, 1998: 72-105; 2004a: 27-40). به هر حال از این منظر می‌توان چنین بیان کرد که در کلیه بخش‌های یک کشور، ایجاد امنیت از اهمیت بالایی برخوردار است.

«آرنولد ولفرز» (۱۹۶۲: ۱۴-۷۲) می‌نویسد: «امنیت ملی یعنی تهدید نکردن ارزش‌های مهم جامعه». بنابراین اگر کشورهای مدرن و از لحاظ اقتصادی پیشرفته، روز به روز جزء جوامع آگاه‌تر و مطلع‌تر قرار بگیرند، طبق بحث ولفرز، در نظر آنها تهدید کردن اطلاعات و داده‌ها مانند تهدید به هسته و مرکزیت جامعه تلقی می‌شود. با این وجود هم از لحاظ سیاسی و هم از لحاظ مسائل تئوریک، چالش‌های تحول اطلاعات در مقوله امنیت، هنوز بررسی نشده است. به نظر ما تحقیقات قبلی پیرامون این موضوع خاص و غیر متعارف است که «سیاست محور» بوده و تأثیر چندانی بر به کارگیری، گسترش و تغییر تئوری‌های روابط بین‌الملل نداشته و یا اصلاً تأثیرگذار نبوده است. بنابراین در بررسی تحول اطلاعات از منظر تئوری‌های روابط بین‌الملل، اقدامات جدی صورت نگرفته است.

اولین نشانه ناراحتی و مشغولیت فکری پیرامون ثبات نظری در علم روابط بین‌الملل در اواخر جنگ سرد ظهور پیدا کرد. (Lebow and Risse-Kappen, 1995: 24-63) پایان جنگ سرد نه تنها منتهی به بحران تفکرات رئالیستی شد، (تفکراتی که در پیش‌گویی و تشریح وقایع گذشته با شکست روبه‌رو شدند) بلکه به دیگر نظریه‌های روابط بین‌الملل نیز تسری یافت. با وجود این که اکثر افراد در مورد خاتمه جنگ سرد و نیاز جدی به تشریح تئوری‌های روابط بین‌الملل، خصوصاً افزایش صحت و اعتبار این علم، مقاله‌ها نوشته بودند، برای نخستین بار پیرامون تحول اطلاعاتی و چالش‌های مربوط به علم روابط بین‌الملل نیز سخن رانده شد.

سرعت فوق العاده پردازش اطلاعات و ایجاد ارتباط منظم میان میلیون ها داده اطلاعاتی در گستره وسیع جهانی در حوزه های گوناگون سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و در دسترس قرار دادن آزاد این نوع اطلاعات از طریق شبکه های اطلاع رسانی جهانی به «انقلاب اطلاعاتی» شکل داد. این فرآیند، دو جنبه دارد؛ اول از میان رفتن فاصله ها با شکل گیری شبکه گسترده جهانی و رایانه ای شدن سیستم های ارتباطات دوربرد با ظرفیت های بیشتر و جدید برای انتقال صدا و تصویر؛ دوم همگرایی الکترونیک و ارتباطات دوربرد؛ که ابزارهایی برای گردآوری، ذخیره سازی، پردازش، سازماندهی، انتقال و نمایش اطلاعات در اختیار انسان قرار می دهد. (طیب، ۱۳۷۹: ۱۵-۱۳)

به مدد چنین تحولات جدیدی در فناوری، رویدادهایی که زمانی هفته ها و ماه ها طول می کشید تا برملا شوند، اکنون ظرف چند روز و چند ساعت، دیگر نقاط جهان از آنها با خبر می شوند. (روزنا، ۱۳۸۲: ۸۴-۸۶) بنابراین، فناوری های گوناگون به صورت عمده باعث کاهش فواصل زمانی و مکانی شده اند و نوعی فشردگی سازمانی و شبکه ای را به ارمغان آورده اند. (Rosenau, 2007: 92-93)

با شکل گیری عصر اطلاعات و انقلاب ارتباطات، نظام های سیاسی و رژیم های حکومتی برای استمرار امنیت و تداوم بقای خویش ناگزیرند تعدیل هایی در مبانی و نحوه عملکرد خود به عمل آورند. قدرت و گستره تکنولوژی نوین اطلاعاتی - ارتباطی، از جمله ایستگاه های متعدد رادیو، شبکه های وسیع خبری، شاهراه های اطلاعاتی، اینترنت، ماهواره و جز آن، دیگر مجاللی نمی گذارند تا ایدئولوژی های اقتدارطلب وضعیت موجود را توجیه کرده و توده های یکدست و فاقد تمایز را که به راحتی قابل بسیج باشد، به وجود آورند. «پیتر فردیناند» معتقد است: اینترنت، آشکارا یک تهدید استراتژیک درازمدت قابل توجه برای رژیم های اقتدارگرا است؛ تهدیدی که این گونه رژیم ها را از مقابله مؤثر با آن ناتوان می سازد. اخبار جهانی، به درون ملت هایی که تحت استیلای رژیم های اقتدارگرا هستند، انتقال داده می شود و این اخبار با اخبار تحریف شده از سوی حکومت ها برخورد می کند، در نتیجه اعتبار و مقبولیت چنین رژیم هایی را تضعیف و محرک ناآرامی ها می شوند. (Ferdinand, 2000: 12)

امروزه، شکل گیری دهکده جهانی به وسیله شبکه های گسترده ارتباطی و اطلاعاتی،

امکان دسترسی آسان، سریع، ارزان و جریان‌های متنوعی از داده‌های گوناگون را در جامعه امکان‌پذیر ساخته است. بنابراین، تکنولوژی‌های جدید، ساختار علائق و اندیشه‌های ما را به‌طور ریشه‌ای دگرگون ساخته و اعطای معانی و کاربردهای تازه به آنها و حتی وسایل تعقل و اندیشه، مفهوم و تعبیر دیگری از اجتماع پدید می‌آورد که فضای رشد اندیشه‌ها و زمینه‌های آن را تغییر می‌دهد (پستمن، ۱۳۷۲: ۳۷).

در این راستا، مک لوهان تلاش کرده است تا با تأکید بر نقش محوری «ارتباط» به‌عنوان مدار هستی اجتماعی، شکل‌گیری افکار و جهانی‌بینی‌های گوناگون را در رابطه با فرآیند تحول شیوه‌ها و فناوری‌های ارتباطی - اطلاعاتی بررسی و تبیین کند. به نظر او، ارتباطات بزرگترین نیروی تحول اطلاعاتی در این بوده که افکار و ادراکات ما را در هر عصر و دوره‌ای تحت نفوذ اصول مربوط به کار خود قرار داده‌اند. تحول اطلاعاتی به همراه وسایل ارتباطی نوین در هر دوره‌ای به مجرد این که جای وسائل و روش‌های پیشین را می‌گیرند، خود را بر محیط تحمیل کرده و به صورت منابع مفروض و اصول فکری جدیدی درمی‌آیند و از همین راه می‌توانند موجب تغییراتی در اهداف و آرمان‌ها بشوند. (لوهان، ۱۳۷۷: ۲) می‌توان گامی فراتر نهاد و گفت که تکنولوژی‌ها، هدف‌آفرینی و آرمان‌آفرینی می‌کنند و در تعامل دوسویه، هم به تحقق آرمان‌ها کمک می‌کنند و هم موجب خلق آرمان‌های دیگر می‌شوند.^۱

۲. جایگاه تحول اطلاعات در تحقیقات امنیتی معاصر

وقتی برای نخستین بار عنوان «جامعه اطلاعاتی» ظهور پیدا کرد، تبیین و تشریح آن کار سخت و دشواری بود. در اوایل دهه ۱۹۹۰، اکثر ناظران و روزنامه‌نگاران ایالات متحده کار نوشتن و صحبت کردن پیرامون «شاهراه اطلاعاتی» را به خصوص در زمان ریاست جمهوری «کلینتون» آغاز کردند و کاخ سفید این عنوان را متداول نمود. به طور تصادفی اینترنت نمادی از عصر اطلاعات گردید، (The Econo- mist, 2002: 19) و در این زمان بود که «ویلیام گیبسون» اصطلاح «فضای مجازی»

۱. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به:

- Smarr; Larry, "Digital fabric", R&D Magazine, Vol. 41, No. 7, June 1999, pp. 50-54
- Handley, Richard., Robert H. Anderson, Tora K. Bikson, James A. Dewar, Jerold Green, Martin Li-bicki, and C. Richard Neu, The Global Course of the Information Revolution: Political, Economic, and Social Consequences: Proceeding of an International Conference, RAND, CE-i 54-NIC, <http://www.rand.org/publications/CE!CF154/>, Santa Monica, California, 2000.
- Anderson, Robert H., Philip S. Anton, Steven C. Bankes, Tora K. Bikson, Jonathan P. Caulkins, Peter I. Denning, James A. Dewar, Richard. Hundly, and C. Richard Neu, The Global Course of the Information Revolution: Technology Trends: Proceeding of an International Conference, RAND, CE 157-Nic, <http://www.rand.org/publications!CF/CF157/>, Santa Monica, California, 2000.

را برای اولین بار مورد استفاده قرار داد. (Gibson,1984:9-11)

در این میان «مانوئل کاستلز» جامعه شناس مارکسیست، به عنوان یکی از اولین نظریه پردازان عصر اطلاعات معرفی شد. وی در اواخر دهه ۱۹۸۰ بیان کرد که در اقتصاد نوین، اطلاعات و داده ها نخستین و مهمترین هدف «سودبخشی» هستند. (Castells,1989:235-251) امروزه خدمات ضروری و مهمی مانند بانکداری، سفر های هوایی، توزیع و کنترل منابع انرژی و... برای عملی شدن خود بیش از پیش به فناوری اطلاعاتی تکیه دارند.

«کاستلز» یک مفهوم مهم را به ظهور شبکه جهانی اهدا کرد؛ وی به از دست دادن استقلال کشورها و ضرورت اجتماعات یکسان و متحد اشاره کرد. از دیدگاه او جرائم سازمان دهی شده فراملیتی بزرگترین تهدید برای امنیت جهانی قلمداد می شود. نظریه کاستلز پیرامون تاثیر تغییرات در فناوری اطلاعات با کار تحقیقاتی «حمید مولانا» پیرامون روابط بین الملل مطابقت دارد. تحقیق در ابعاد امنیت به نظر کاستلز و مولانا محدود به تاثیر گذاری فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی بر جرائم سازمان دهی شده، (Castells,1997:21-34;1998:19-26;2000:33-42) استراتژی های نظامی و استفاده از اطلاعات به عنوان شعار تبلیغاتی می شود (Mowlana,1997:28-39). از نظر تجربی کار مولانا خردمندانه است ولی در ایجاد ارتباط و پیوند میان تحول اطلاعات و تئوری های روابط بین الملل (علم روابط بین الملل) ضعیف عمل کرده است.

امروزه سیاستمداران به وضوح دریافته اند که کنترل و نظارت بر انتقال داده ها و اطلاعات برای حفظ استقلال و تقویت امنیت ملی امری ضروری است. (Ander-son,1995:17;Krasner,1995:120-135) با این وجود چون گسترش و دسترس بودن وسائل اطلاعاتی - ارتباطی همانند یک شمشیر دو لبه عمل می کند، کشورها با مشکلاتی روبرو گشته اند. در گذشته سیستم های اطلاعاتی - ارتباطی مانند رادیو و تلویزیون به دولت های ملی اجازه می داد تا با ارسال پیام به سراخ کلیه شهروندان بروند و با سخنان شیوا و ملی گرایانه آنها را با خود همراه سازند. در سال های اخیر شبکه های حرفه ای رسانه ای (همچون BBC یا CNN)، مجامع حقوق بشر و افراد، همگی یاد گرفته اند که از این سیستم ها جهت انتقال اطلاعات خصوصی، شایعات دروغ یا خبرهای مستقل از منابع دیگر، بهره بگیرند.

در دهه ۱۹۷۰، به نظر می‌رسید فناوری‌های جدید اطلاعاتی احتمال آسیب‌پذیری دولت‌ها را افزایش دهند. در گزارش دولت سوئد (Tengelin, 1981: 38-94)، به ریسک‌های مهم شبکه مجازی تأکید شد، (مانند وابستگی به فروشندگان خارجی و تهدیدات هکرها). اخیراً سیاستمداران به خوبی دریافته‌اند که افراد و گروه‌ها بدون کنترل و نظارت دولت قادرند از طریق شبکه اینترنت با افراد در سایر کشورها به تبادل افکار و اطلاعات بپردازند. این اطلاعات ممکن است بر نگرش شهروندان پیرامون تصمیمات سیاسی و اقتصادی کشورها و دولتشان تأثیرگذار باشد. این مسأله پدیده جدیدی نیست، زیرا دولت‌ها و کشورها چنین تجربه‌ای را با شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی داشته‌اند.

در این زمینه، دو مشخصه وجود دارد که خاص اطلاعات جهانی است و جهت ارزیابی این که چگونه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی مفهوم امنیت را تغییر می‌دهند مفید و سازنده است؛ اولین مشخصه، «اهمیت تجهیزات و ابزار» و دیگر «تأثیرات ذهنی» ناشی از آن تجهیزات و ابزار، که با همدیگر در ارتباط هستند. این مسأله مورد توجه سازه‌انگاران به عنوان ابعاد عینی و ذهنی مفهوم امنیت مدنظر قرار می‌گیرد. به عنوان نمونه، اینترنت که معروفترین شبکه رایانه‌ای است، در آن واحد که شالوده و زیربنای اصلی شبکه است، یک ابزار ارتباطی نیز محسوب می‌شود. با اتصال به سیستم‌های رایانه‌ای، بایت‌های حاصل داده‌ها، اطلاعات مختلفی را نمایش می‌دهند. برای مثال ایمیل زدن به یک دوست، اطلاع از جزئیات پرواز، انجام بازی‌های کامپیوتری یا اطلاع از عملیات کارت‌های اعتباری. به استثنای آخرین مورد که مانند تمامی معاملات پولی و مالی مخفی و نهفته می‌ماند، بقیه در دسترس عموم است. وقتی استفاده از شبکه‌های رایانه‌ای منحصر به سیستم بانکی خاص یا یگان نظامی شود، هزینه اشتراک در شبکه چنان بالا می‌رود که تعداد کمی از سازمان‌ها یا شرکت‌ها می‌توانند کنترل شبکه را در اختیار داشته باشند. بعلاوه آنها از قوانینی استفاده می‌کنند که تنها کاربران مجاز هر شبکه مجوز استفاده از آن را دارند. بنابراین اینترنت امکان استفاده از شبکه‌های ارتباطی متعددی را فراهم می‌کند، هزینه شبکه‌سازی را کاهش می‌دهد و به مخالفان و رقبا اجازه اشاعه و انتشار پیام‌های خود را می‌دهد. شبکه اینترنت به گونه‌ای طراحی شده که سهولت در ایجاد رابطه را به حداکثر رسانیده ولی هیچ ضمانت امنیتی در ارسال اطلاعات وجود ندارد. این مسأله

امتیازی برای فرصت طلبان فراهم می‌کند تا از آسیب پذیری و ضعف شبکه به نفع خود استفاده کنند.

۳. عملکرد اطلاعات و مداخله در سیستم های امنیتی (سایبر تروریسم)

به واقع آیا مداخله در سیستم امنیتی داده‌ها تأثیر بسزایی در مسائل امنیتی پس از جنگ سرد داشته است؟ در اطلاعات نظامی و اصول امنیتی قرن ۲۱، حفاظت از زیرساخت های حیاتی اطلاعات، نبرد و رقابت اطلاعاتی، عملکرد داده‌ها، اطمینان از درستی اطلاعات، مداخله در سیستم امنیتی داده‌ها (سایبر تروریسم)، تغییر و تحول در امور نظامی^۲ و شعارهایی از این دست رایج و متداول گشته است. این در حالی است که به دنبال اتمام جنگ سرد، نیروها و بودجه های نظامی کاهش یافته، ولی تأکید بر امنیت سیستم های اطلاعاتی و فضای مجازی روز به روز بیشتر شده است. مفهوم تهدید سیستم امنیتی یا سایبر تروریسم، از نگرانی پیرامون آسیب پذیری و عدم کنترل سیستم نشأت می‌گیرد که نتیجه تهدید بر شبکه‌های اطلاعاتی است. (Alberts and Papp, 1997:13-21; Henry and Peartree, 1998:82-105)

مفهوم تهدید سیستم امنیتی از هر دو قلمرو خصوصی و عمومی، فعالان نظامی و غیر نظامی نشأت می‌گیرد. متخصصان، دانشمندان و کاربران شبکه‌های رایانه‌ای با تأکید بر تهدیدات، خطرات، اختلال در شبکه‌ی رایانه‌ای و آسیب‌پذیری ساختار سیستم (مانند اختلال در سیستم نرم‌افزاری که منجر به فلج شدن رایانه‌ها می‌گردد) هشدارهای متعددی را می‌دهند.

بنابراین مفهوم مداخله در سیستم امنیتی یا سایبر تروریسم شامل بعد وسیعی از رقیبان و مخالفانی است که می‌تواند دربرگیرنده بازیگران دولتی و غیردولتی باشند. (Campen et al, 1996:16-94; Erbschloe, 2001:27-45; Furnell, 2002:14-37; Henry and Peartree, 1998:124-132; Herd, 2000:57-84; Khalilzad et al, 1999:217-226; O'Day, 2004:21-42; Polikanov, 2001:26-43; Yourdon, 2002:7-25; Schwartau, 1995:23-46)

مهمترین دشمن تلقی می‌شوند که قادر به خنثی کردن زیرساخت‌های سایر کشورها (مثلاً با قطع یا ایجاد اختلال در ارتباطات از راه دور) هستند ولی فعالان غیردولتی نیز

۱. عملکرد داده‌ها آن دسته از فعالیت‌ها است که بر سیستم اطلاعاتی رقیبان تأثیر می‌گذارد، در حالی که از سیستم های اطلاعاتی مرتبط به خود محافظت می‌کند. بنابراین عملکرد داده‌ای مفهومی گسترده است که مفاهیم فیزیکی دیجیتال را در برمی‌گیرد. اگر ابزار به کار گرفته شده دیجیتالی باشند، عملکرد آنها قابل تقسیم به زیرمجموعه‌هایی از عملیات شبکه‌های رایانه‌ای می‌باشد. این زیر مجموعه‌ها بر استفاده از شبکه‌های رایانه‌ای، نفوذ در شبکه‌های رایانه‌ای و حمایت از شبکه‌ها تقسیم می‌گردند.

۲. تغییر و تحول در امور نظامی (RMA)، تغییرات فناوری در استراتژی های نظامی را به تصویر می‌کشاند.

به خوبی جلب توجه می‌کنند.

طبق بررسی انجام شده توسط شورای ملی تحقیقات ایالات متحده، یک تروریست در آینده می‌تواند با یک صفحه کلید کار خود را عملی نماید تا با یک بمب^۱ (Denning,2001a:282) مسئول سابق امنیت ملی آمریکا «تام ریذج» (۲۰۰۲) می‌گوید: تروریست‌ها با یک رایانه به شبکه متصل شده و در جهان خرابی به بار می‌آورند؛ آنها برای ناقص کردن نظام اقتصادی یا قطع شبکه‌های ارتباطی نیاز به انفجار بمب ندارند. چنین تصویری، بیانگر اهمیت موضوع امنیت اطلاعاتی و مداخله در سیستم‌های امنیتی است. این دیدگاه کلی وجود دارد که وقتی کشورها و دولت‌ها از لحاظ فناوری اطلاعاتی پیشرفته‌تر باشند، در قبال سایبر تروریسم آسیب‌پذیرتر می‌گردند.

تصویر فاجعه آمیز «پرل هاربر الکترونیک»، امروزه در مقالات تحقیقاتی بسیاری مورد اشاره قرار گرفته است. (Bendrath,2001:80-103; Everard,2000:93-124; Forno,2002; O'Day, 2004:12-75; Schwartau,1997:11-19; Smith, 1998) بر این اساس، سیستم‌های اطلاعاتی و ارتباطی ممکن است با اختلال مواجه گردند، مترو به ناگاه متوقف شده و وقتی بانک‌ها و سایر تجهیزات الکترونیکی وابسته به شبکه، از کار بیفتند دسترسی به پول برای هزاران نفر غیر ممکن شود. در چنین وضعیت فاجعه آمیزی، مختل شدن زیر ساخت‌های اساسی به جایی می‌رسد که جامعه و دولت در عملکرد طبیعی خود دچار مشکل می‌شوند. (Bendrath,2003:72-80) به گفته معاون سابق وزیر دفاع ایالات متحده «جان هامر»، آمریکا ممکن است با «پرل هاربر الکترونیک» در آینده ای نزدیک روبرو شود (CNN,1997).

برخی تصور «پرل هاربر الکترونیک» را دور از ذهن می‌دانند، برای مثال: «دینینگ» (۲۰۰۱b) اعتقاد دارد؛ سایبر تروریسم به عنوان اختلالات دیجیتالی-اطلاعاتی که باعث تخریب فیزیکی و مرگ بشریت شود کاملاً دور از ذهن است. محدود تهدیدات وارده بر سیستم امنیتی، می‌تواند ویژگی عملیات تروریستی را در برداشته باشند. حتی دانشکده نیروی دریایی ایالات متحده با مشارکت گروهک «گارتنر»، به این نتیجه دست یافت که اگر چه از نظر تئوریک احتمال «پرل هاربر الکترونیک» وجود

۱. سناتور آمریکایی «جان ادواردز» (۲۰۰۲) این نکته را خاطر نشان می‌کند، «در جهانی زندگی می‌کنیم که یک تروریست می‌تواند همان کاری را که با تفنگ و بمب انجام دهد با رایانه انجام بدهد».
۲. «لیبیک» (۱۹۹۷: ۳۸) در مورد معادل دانستن تخریب بیت‌ها و بایت‌ها، با کشت و کشتار جنگ کلاسیک و تروریسم، هشدار می‌دهد. در کتاب «رابرت لانهم» (۲۰۰۳) نیز نوعی پیوند و ارتباط این چینی دیده می‌شود.

دارد ولی دور از ذهن است؛ زیرا شیوه های راحت تر و مقرون به صرفه تری وجود دارد تا به زیرساخت های یک کشور هجوم برد. (The Economist, 2002:19)

امروزه به کار گرفتن اطلاعات نه تنها به عنوان وسیله ای جهت تغییر یا اجرای حملات فیزیکی تلقی می شود، بلکه به همراه تجهیزات الکترونیکی می تواند به تخریب هم منجر شود. (Harshberger and Ochmanek, 1999:12) همچنین اختلال در خدمات رسانی و هک کردن وب سایت ها می تواند نتایج مهمی را دربرداشته باشد. در مراکزی که با تجارت الکترونیک سر و کار دارند، اختلال در شبکه اینترنت می تواند باعث زیان های مالی شدید شود.^۱

مداخله آگاهانه در سیستم امنیتی، همچنین اشاره به این مسأله دارد که مرز بین مسائل ملی و فراملی، نظامی و غیر نظامی، عمومی و خصوصی، جنگ و صلح از بین رفته است. اگر این نکته را جدی بگیریم، می توان گفت که نه تنها امنیت سیستم های اطلاعاتی زیر سؤال رفته اند بلکه در اصل، «استقلال کشورها» هم زیر سؤال رفته است. از این نظر، لیبرال ها اعتقاد دارند، امروزه به دلیل تغییرات ایجاد شده، استقلال کشورها در حال مستحیل شدن است. (See, Everard, 2000:31-94; Fountain, 2001:132-187; Giacomello, 2005:37-64; Giacomello and Mendez, 2001:15-27; Rosecrance, 1999:204-230) سازه انگاران نیز معتقدند، سایبر تروریسم به طور گسترده تهدید بر ارزش ها و هنجارها را به دنبال داشته است.

۴. تأثیر تحول اطلاعات بر مفهوم امنیت

بازتاب سیاسی تکنولوژی های اطلاعاتی - ارتباطاتی و درک چگونگی تأثیرپذیری حوزه سیاسی از این دو مقوله و حوزه فرهنگ، منوط به فهم تفاوت منابع گوناگون قدرت، نظیر خشونت، ثروت و اطلاعات است. با انقلاب اطلاعاتی مبنای قدرت سیاسی از ثروت و خشونت (زور نظامی) به مقوله اطلاعات منتقل شده و می شود. پیش مبتنی بر تحول اطلاعات حاوی سه نکته بسیار اساسی است: اول، محسوب شدن دانایی به عنوان جوهره اصلی تمدن انسانی؛ دوم، ایجاد تغییرات زیربنایی به واسطه تحول اطلاعات و فناوری های ارتباطاتی در جامعه بین المللی؛ و سرانجام منتفی شدن الگوی مکانیکی و جبرگرایی، زیرا که تکامل به عنوان فرآیندی که انسان طراح آن است تلقی می شود.

۱. برای مثال در سال ۱۹۹۸، «ولادیمیر لنین» هکر روسی، ۱۰ میلیون دلار از سیتی بانک ایالات متحده به صورت غیر قانونی برداشت کرد. در این زمینه رجوع کنید به: (Freedman, 2000)

انقلاب اطلاعاتی موجب دگرگونی عظیمی در ساختار توزیع قدرت می‌شود. دسترسی شهروندان به اطلاعات گسترده و تشکیل کانون‌های جدید قدرت و نفوذ، مراکز قبلی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به همان سان که دانش اولیه پزشکی قدرت را از دست جادوگر قبيله خارج کرد، گسترش اطلاعات در مورد شیوه‌های گوناگون زندگی در سایر کشورها نیز اعتبار برخی از آیین‌های رسمی و در نتیجه اعتبار برخی از مبانی قدرت دولت‌ها را مورد تهدید قرار داده است. (بورستون، ۱۳۶۸: ۲۱)

آنگونه که «روزنا» بیان می‌دارد، فرآیند جهانی شدن اطلاعات موجب تکثیر حوزه‌های اقتدار و چالش‌هایی عمده برای حاکمیت و امنیت جهانی شده است، البته افزایش حوزه‌های اقتدار به این معنی نخواهد بود که حاکمیت جهانی غیر ممکن است، اما پیامدهای مطلوبی را در بر نخواهد داشت. در عوض، حاکمیت تعامل و همپوشانی حوزه‌های اقتدار را از طریق گسترش هنجارها، قواعد غیررسمی و رژیم‌ها پدیدار خواهد نمود. (Rosenau, 2007: 88)

هم اکنون جامعه اطلاعاتی و شبکه‌ای شکل گرفته است که نقاط اتصال این شبکه‌ها را گروه‌ها و نهادهای مدنی، سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی، جنبش‌های اجتماعی و سیاسی، فعالان سیاسی، گروه‌های مخالف حکومت و دولت‌ها شکل می‌دهند. این نقاط از طریق اطلاعات و اخباری که در شبکه جریان می‌یابد، به هم متصل می‌شوند. به همین علت روبرت لاثام، حاکمیت و امنیت در جهان امروز را از آن گروه‌های اجتماعی و سیاسی می‌داند تا دولت‌ها. (Latham, 2000: 8)

در بررسی‌های امنیت محور، مهمترین مسأله بحث پیرامون مفهوم «امنیت» است. در این زمینه دو گروه مخالف یکدیگر را می‌توان دید؛ اول، سنت گرایان و دیگر آنهایی که طرفدار گسترده‌تر کردن مفهوم امنیت هستند (کل گرایان). سنت گرایان مفهوم امنیت ملی و بین‌المللی را دارای چنین ویژگی‌هایی می‌دانند: بقاء و حفظ امنیت اساسی‌ترین هدف دولتمردان است که با ابزارهای نظامی دست‌یافتنی است؛ تعقیب منافع خود و به حساب نیاوردن منافع ملی دیگران، به عنوان یکی از شاخصه‌های مفهوم سنتی امنیت بین‌المللی زمینه را برای محوریت قدرت فراهم می‌کند؛ خطر در معرض تهاجم قرارگرفتن یا به عبارتی دغدغه‌های امنیتی، شرایطی را فراهم می‌کند که در آن هیچ دولتی با فراغت خاطر مبادرت به سیاستگذاری در زمینه توسعه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی نمی‌کند؛ در فرآیند سیاستگذاری‌های عمومی،

امنیت نظامی و دفاع از مرزهای ملی، سایر ابعاد سیستم سیاسی از جمله اقتصاد و سیاست را تحت الشعاع قرار داده و چنانچه کوهن و نای مطرح می‌کنند امنیت به عنوان «سیاست برتر» و سایر حوزه‌ها تحت نام «سیاست پست‌تر» مطرح می‌شوند. (Ayoob,1997:18-26; Walt,1994:39-211) آنها معتقدند که علی‌رغم وجود شورش‌های مذهبی و اخلاق‌گرایانه، تروریسم جهانی، جرائم فراملیتی و گرم شدن زمین، نیاز به گسترده کردن مفهوم امنیت نیست. سنت‌گرایان درصددند تا امنیت را از دیدگاه جنگ میان دولت‌ها و مسائل درون‌کشوری مورد بحث قرار دهند.

کل‌گرایان (افرادی که تئوری‌های لیبرال و انتقادی را با هم در نظر می‌گیرند) مدعی‌اند که باید مفهوم امنیت را به گونه‌ای گسترش داد که شامل تهدیدات و چالش‌های جدید شود، در ضمن بخش‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و محیطی را هم در برگیرد. (Buzan,1991:47-58; Buzan et al,1998:134-) Müller,2002:369-390) بعلاوه کل‌گرایان تعدادی از فعالان جدید را در بررسی‌های خود قرار می‌دهند، به خصوص سازمان‌های غیردولتی، جنبش‌های اجتماعی، سازمان‌های تروریستی و شرکت‌های خصوصی.

نسبتاً حیرت‌آور است که کل‌گرایان با دیدگاه گسترده‌ای که دارند، به تحول اطلاعات و تأثیر آن بر امنیت توجه و تأکید ناچیزی می‌نمایند. از نظر آنها مفهوم گسترده امنیت، مسائل اقتصادی، بوم‌شناسی، سیاسی و فرهنگی را در بر می‌گیرد، ولی به ندرت بر ضرورت وجود اینترنت و سایر عوامل تأثیرگذار بر مفهوم امنیت تأکید می‌کنند.

برخی از سنت‌گرایان انقلاب یا تحول در فناوری اطلاعات را مورد توجه قرار می‌دهند، اما نسبت به اصلاح و پیشرفت توانایی نظامی، این توانایی‌ها همواره نقش مهم و حیاتی در ابعاد نظامی و دولتی امنیت ملی ایفا می‌کنند. (Knox and Murray,2001:17-114; Van Creveld,1991:136-175) از این رو جنگ روانی و ذهنی که بخشی از عملکردهای اطلاعاتی هستند، جزء توانایی‌های ضروری به حساب می‌آیند و همیشه عوامل مهمی از رقابت و درگیری را در خود جای دارند. تحولات در فناوری همواره اصول نظامی را مورد توجه قرار داده است؛ از اختراع تسلیحات جدید و هواپیما گرفته تا گسترش رادارها و ماهواره‌ها. از این رو چندین دهه است که «منازعه و رقابت الکترونیکی» مفهوم تثبیت شده‌ای

از اصول نظامی را در بر گرفته، اما در نظر اکثر سنت گرایان تکنولوژی های اطلاعاتی تنها یک خیال و پندار نوین را افزوده اند. (Everard, 2000:109)

آنگونه که مشاهده می شود، اختلافاتی فاحش در بررسی های امنیتی وجود دارد که باید حل و فصل شوند؛ همانند تأکید بر تأثیرگذاری تحول اطلاعات بر فهم کلی از امنیت در عصر جدید و همچنین تشریح تغییر در روابط و سیاست های امنیتی سراسر جهان.

۵. تئوری های روابط بین الملل (رئالیسم، لیبرالیسم، سازه انگاری) و مسأله امنیت در عصر اطلاعات

در عرصه روابط بین الملل آشکار است که دیدگاه های تئوریک رئالیسم، لیبرالیسم و سازه انگاری از نظریات مهم و اساسی تلقی می شوند. بررسی درمورد این مسأله که هر کدام از این نظریه ها در عصر اطلاعات می تواند درمورد امنیت حرفی به میان آورد یا نه، ارتباط پنهان بین هر بعد را مشخص خواهد کرد و می تواند منبع مهمی برای نظریه پردازی جدید و انجام تحقیقات تجربی نوین باشد.

۱-۵) رئالیسم

رئالیست ها معتقدند دولت ها نخستین عامل تحلیل و بررسی محسوب می شوند، به صورت عقلایی رفتار می کنند تا از منافع ملی خود احساس رضایت نمایند. قدرت و امنیت جزء ارزش های اصلی و مهم دولت محسوب می شود. در کلیه دیدگاه های رئالیستی، نگرش بدبینانه حاکم است. آنارشی (نبود اقتدار مرکزی) جزء ویژگی سیستم بین المللی است که دولت ها را مجبور می کند خارج از علایق ملی شان عمل کنند. چنین موقعیت آنارشیکی منجر به «بحران امنیتی» می شود. قدرت و توان که بر اساس توانایی های نظامی و تلاش برای ایجاد امنیت ارزیابی می شود، در سیاست های جهانی مهمترین عامل محرک و موثر محسوب می گردد. (Schmidt, 2002:3-22)

نگاه واقع گرایان به امنیت بین المللی، نگاهی محدود و تقلیل گرا است که از محدوده مرزهای دولت ها چندان فراتر نمی رود. واقع گرایان بیشتر از این که امنیت بین الملل را به صورت مفهومی منحصر به فرد در نظر بگیرند، آن را با تمرکز بر امنیت ملی دولت-ملت ها تعریف می کنند و حاکمیت و استقلال کشورها را مهمترین رکن امنیت بین الملل می دانند. برآیندهای دیدگاه رئالیستی عبارت هستند از:

دولت ها، منشاء اصلی تهدید و مسئول اولیه برقراری امنیت محسوب می گردند

و امنیت ملی به صورت محافظت از دولت در مقابل تهدیدات خارجی تعریف می‌گردد. در واقع تأمین امنیت بین‌الملل منوط به تأمین امنیت ملی دولت است. در چنین حالتی دولت‌ها مسئولیت اولیه تأمین امنیت خود را بر عهده دارند.

تهدیدها دارای ماهیت نظامی بوده و پاسخ نظامی را برمی‌تابد؛ با توجه به آنارشیستی بودن وضعیت نظام بین‌الملل، هر دولتی باید این مسأله را در نظر داشته باشد که در هر لحظه امکان تجاوز نظامی به حریم کشورش وجود دارد. از این رو تنها ابزار مقابله با تهاجم نظامی، داشتن قدرت نظامی مناسب است. از آنجا که هر دولتی به صورت بالقوه هم می‌تواند تجاوز گر باشد و هم ممکن است مورد تجاوز دولت‌های دیگر قرار گیرد، بهترین روش تأمین و حفظ امنیت بین‌الملل، تحقق بازدارندگی‌های متقابل میان دولت‌ها و شکل‌گیری موازنه قدرت است. این ایده اخیراً با توجه به گسترش سلاح‌های کشتار جمعی اهمیت بیشتری یافته است. زیرا این احتمال وجود دارد که چنین قابلیتی ابزار دست کسانی شود که در ساده‌ترین وضعیت‌ها به استفاده از آن متمایل باشند و از این رو همگی را با خطر انهدام فراگیر مواجه سازند.

حفظ حاکمیت و استقلال کشور به مثابه بالاترین ارزش در نظر گرفته می‌شود؛ از منظر رئالیستی دولت‌ها بازیگران اصلی عرصه روابط بین‌الملل هستند و در رقابت آنها با همدیگر بقای آنها، عالیترین هدف است. (Gilpin, 1986: 234-278; Mor-) از این جهت حاکمیت و استقلال بالاترین ارزش مورد توجه دولت‌هاست، در نظام بین‌الملل آنارشیک هیچ قدرت فائده‌ای وجود ندارد که بقای دولت-ملت‌ها را تضمین نماید و هر کشوری نیز باید تمام تلاش خود را در راستای حفظ حاکمیت و استقلال خود که بقایش با آن تعریف می‌گردد به کار گیرد. (قوام، ۱۳۷۹: ۵۶)

در دیدگاه رئالیستی برای درک مفهوم امنیت در عصر اطلاعات باید گفت که هنوز دولت تنها عامل مهم و حیاتی پنداشته می‌شود و مفهوم امنیت ثابت مانده است. به اعتقاد رئالیست‌ها، تحولات اطلاعاتی نوین حادثه‌ای پیش پا افتاده است که به خوبی بر ساختارهای داخلی و خارجی کشورها اثر می‌گذارد ولی آنارشی موجود در سیاست‌های بین‌الملل را از بین نبرده و در نتیجه بر موقعیت دولت به عنوان عنصر و بازیگر اصلی سیاست تأثیرگذار نمی‌باشد. آنها تهدیدات امنیتی مرتبط با فناوری اطلاعات را جزء مسائل مهم اقتصادی به حساب می‌آورند که لزوماً بر امنیت دولت

و تهدیدات وارد بر آن تأثیری ندارد.

رنالیست‌ها زمانی تحول اطلاعات را مناسب و مفید در نظر می‌گیرند که این تحول به عنوان سازه و بنیان فناوری جدید در منازعه میان دولت‌ها به گونه‌ای سنتی تعریف گردد. (Lonsdale, 1999: 57-137) توجه به تحول اطلاعات در بررسی‌های استراتژیکی و طرح‌های نظامی را می‌توان به عنوان شاخص «تغییرات مداوم نظریات رنالیستی» معرفی نمود. در مجموع واقع‌گرایی احتمال تغییر به واسطه تحولات اطلاعاتی را در مقوله امنیت مدنظر قرار نمی‌دهد و هیچ مبنای فلسفی برای مفهوم سازی مجدد امنیت در عصر اطلاعات فراهم نمی‌آورد.

در انتقاد به دیدگاه‌های رنالیستی پیرامون مفهوم امنیت ملی و بین‌المللی در عصر اطلاعات باید گفت که: دولت‌ها تنها بازیگران روابط بین‌الملل نبوده، قدرت دولت‌ها کاملاً نابرابر است، دولت‌ها مستقل از یکدیگر نمی‌باشند، الگوهای همکاری میان دولت‌ها به رغم تضاد منافع وجود دارد. رنالیست‌ها آنجا که سیاست را به صورت اعلی و ادنی تقسیم می‌کنند و مسائل نظامی را در شمار سیاست اعلی و امور رفاهی و اقتصادی را در زمره سیاست ادنی قرار می‌دهند، توجه نمی‌کنند با تحولاتی که هم‌اکنون در عرصه روابط بین‌الملل پدید آمده، بسیاری از مسائل بهداشتی (نظیر بیماری‌های واگیر دار و عفونی)، مشکلات زیست محیطی، اقتصادی، رفاهی و مهمتر از همه فناوریانه به صورت سیاست اعلی، و مسائل نظامی در چارچوب سیاست‌های ادنی تلقی می‌شوند. به عبارتی تعاریف مجدد از مفاهیم روابط بین‌الملل نظیر حاکمیت، قدرت، منافع ملی، امنیت ملی و نظایر آن سبب شده است تا عوامل امنیت زدا و امنیت‌زا جای خود را به همدیگر دهند که این خود در اغلب موارد انتقاداتی را به تحلیلات رنالیستی وارد می‌کند.

۲-۵) لیبرالیسم

لیبرالیسم یک بعد وسیع و گسترده است که شامل تئوری‌های ایدئالیسم، نئولیبرال ویلسون، (Moravcsik, 1998, 1999; Walker, 1993) نظریه صلح دموکراتیک، (Russett and Antholis, 1994) تئوری وابستگی، (Keohane and Nye, 1977, 1989) نظریه تصویر ذهنی فرعی و جانبی، (Gourevitch, 1978) دیدگاه سیاست‌های بروکراتیک (Allison and Zelikow, 1999) و دیدگاه‌های سیاست داخلی است. (Risse-Kappen, 1995; Snyder, 1991) سهم مهم تئوری

لیبرالیسم بر اصول روابط بین‌الملل را می‌توان این گونه خلاصه نمود: تأکید بر کثرت بازیگران و فعالان در عرصه روابط بین‌الملل، اهمیت تأثیر سیاست‌های داخلی بر تبیین سیاست‌های خارجی، نقش سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی در تثبیت آداب رفتاری بازیگران سیاسی، گسترش طرح‌های تحقیقاتی بین‌المللی خصوصاً در زمینه اقتصاد سیاسی بین‌الملل و بررسی مسأله بقا در شرایط «هابزی» و آنارشیک جهانی.

نولیبرال‌ها و رئالیست‌ها در این زمینه با هم موافقتند که دولت‌ها در سیاست جهانی نقش مهمی دارند ولی لیبرال‌ها می‌گویند به هیچ عنوان دولت‌ها به تنهایی در روابط جهانی و بین‌المللی نقش بسزایی ندارند. متفکران این نحله بر این باورند که به جای بازیگران دولتی بازیگران دیگری با درجه اهمیت گوناگون در قلمروهایی که مخصوص دولت‌ها بوده، حضور یافته‌اند. در واقع، تغییر عمده در سیاست‌های جهانی سال‌های اخیر، ضرورت وجود تعداد کثیری از بازیگران غیر دولتی جهانی را باعث شده است (بازیگرانی همچون؛ موسسات چندملیتی، جنبش‌های اجتماعی، گروه‌های فشار، احزاب سیاسی، مهاجران و تروریست‌ها). از این رو لیبرالیسم در بیان ضرورت گروه‌های جدید شبکه‌ای، کاربران محیط شبکه‌ای، وبلاگ‌ها، و فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی توجه لازم را مبذول داشته است.

به اعتقاد لیبرال‌ها، انتقال، تغییر و تبدیل حکومت‌ها پیش زمینه بازنویسی مفهوم امنیت است. در این روند توجه به حقوق بشر، هویت‌های فرهنگی و حیات اقتصادی و زیست‌بومی از اولویت‌های اساسی هستند، اما امنیت نیازمند ایجاد بستری برای مشارکت‌های مردمی در سطح بین‌المللی است تا آن را از انحصار متخصصان امنیتی و سیاستگذاران دولتی خارج نماید. به عبارتی باید در تلاش بود تا این ذهنیت محو شود که دولت‌ها تنها تأمین‌کنندگان امنیت هستند.

برخلاف رویکرد رئالیستی، امنیت و نظم در دیدگاه لیبرالی از توازن قوا حاصل نمی‌شود، بلکه حاصل تعاملاتی است که بین لایه‌های مختلف حاکمیتی، سازش بین قوانین، هنجارهای مشترک، رژیم‌های بین‌المللی و مقررات نهادی وجود دارد. در این راستا لیبرال‌ها برای ترغیب همکاری از طریق نهادهای بین‌المللی خلع سلاح و حقوق بین‌الملل، بر تقویت چند جانبه‌گرایی و نظام مبتنی بر همکاری‌های دسته‌جمعی به جای برقراری اتحادهای دو جانبه و استقرار به اصطلاح موازنه حاصل از اتحادهای مزبور تأکید می‌کنند.

به نظر لیبرال‌ها، یکی از ویژگی‌های بنیادین فناوری‌های اطلاعاتی، دو سویه بودن آن و ایجاد وابستگی متقابل میان واحدهاست. امروزه وابستگی متقابل، عنصر جوهری اکثر فناوری‌ها شده است. تنوع و گسترش منابع و ساختارهای اطلاعاتی - ارتباطی زمینه را برای مفهومی به نام «وابستگی متقابل پیچیده» فراهم کرده است. در فرآیند تنوع و گسترش فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، مفهوم امنیت بین‌الملل، متأثر از وابستگی متقابل فزاینده، متحول شده است. مبنای سنتی امنیت بین‌الملل در اساسی بودن نقش دولت‌های ملی، برتری مسائل امنیتی - سیاسی بر معضلات اقتصادی - اجتماعی و اهمیت زیاد قدرت نظامی بود، اما «وابستگی متقابل پیچیده» با مفاهیم، منابع و ساختارهای گوناگون، ضمن متنوع و متعدد کردن کانال‌های ارتباطی فراحکومتی - فراملی، بالا بردن اهمیت توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و سرانجام حذف کمابیش ابزار زور و نیروی نظامی برای رسیدن به امنیت، زمینه را برای تفسیر جدیدی از امنیت فراهم کرده است. (Buzan et al,1998:134-156; Fearon and Wendt,2002:14-79; Katzenstein et al,1998:47-92; Schmidt, 2002:3-22)

برای اولین بار «جوزف نای» و «رابرت کوهن» در دهه ۱۹۷۰ رویکرد وابستگی متقابل را گسترش دادند، که این وابستگی با چالش‌های اخیر در عصر اطلاعات مطابقت دارد. (Keohane and Nye,1998:81-94; Nye,2003:180-189) با این وجود قابل توجه است که این وابستگی متقابل تنها در اصطلاحات اقتصادی شکل می‌گیرد و مسائل ملی یا امنیت بین‌المللی را به تصویر نمی‌کشاند. (Nye,2003:199-202)

«نای» در رابطه با امنیت، نبود تهدید و خطر را مهمترین ارزش می‌داند، وی به طور خلاصه می‌گوید: امنیت ملی در معرض خطر است. با این وجود هیچ تلاشی در جهت تشریح، نقد یا جایگزینی تصاویری از تهدیدات وارده انجام نمی‌دهد. مفهوم «قدرت نرم» مورد توجه «نای» با موضوع بررسی ما تطابق دارد. قدرت نرم یعنی توانایی در آنچه شما می‌خواهید از روی علاقه به دست آورید نه به اجبار یا فشار. این توانایی از جذابیت فرهنگ کشور، ایده آل‌های سیاسی و سیاست‌های اتخاذی دولت نشات می‌گیرد. (Nye,2004a:x,5) به گفته نای قدرت نرم به نسبت گذشته در عصر اطلاعات از اهمیت بالایی برخوردار است، آن هم به خاطر گسترش شبکه اطلاعاتی جهانی که از مرزهای استقلال و خودکفایی پا را فراتر گذاشته است. (Nye,2004b:Ch.7) قدرت نرم و فناوری‌های اطلاعاتی که ارتباطات جهانی را

تسهیل کرده‌اند تنها جزء وسائل ایجاد مشارکت، مردم سالاری و صلح به حساب نمی‌آید، زیرا ممکن است تبدیل به راهی برای تزویر، شعار تو خالی و اقدامات وحشت‌آور شوند.

در عصر اطلاعات نظریه لیبرال‌ها بینشی نوین بر هدف و ویژگی امنیت فراهم می‌کند. این بینش زمانی اتفاق می‌افتد که به کثرت و اهمیت فعالان غیر دولتی که مستقل‌اند و با سایر کشورهای جهان ارتباط دارند توجه داشته باشیم. دو نگرش اجتماعی-اقتصادی جدید که با اظهار نظر لیبرال‌ها مطابقت دارد، برای تحقیق ما از اهمیت زیادی برخوردار است: (۱) گسترش مشارکت بین بخش‌های خصوصی و دولتی در ارائه خدمات (۲) ادغام کردن ابعاد نظامی و غیر نظامی. به خاطر این نگرش‌ها، تفاوت در اختیارات، صلاحیت، وظایف و خطراتی که با آن روبرو هستیم، نامشخص و مبهم باقی می‌ماند.

در دنیای معاصر دولت‌ها به خوبی تشخیص داده‌اند که به تنهایی قادر نیستند جمع‌کثیری از خدمات عمومی را به جوامع ارائه دهند. مشارکت بخش‌های خصوصی-عمومی و خصوصی کردن بخش‌های مختلف جوامع تا مرحله امنیت ملی پیش می‌رود. برای مثال در ایالات متحده راهکار امنیت ملی فضای مجازی تأسیسات و زیربنای اصلی ریاست جمهوری در سپتامبر ۲۰۰۲، بر مشارکت بخش‌های خصوصی و عمومی تکیه کرده و می‌پذیرد که دولت به تنهایی نمی‌تواند در فضای مجازی امنیت را ایجاد کند. (PCCIP,2000: 5)

لیبرال‌ها تهدیدات سایبر و مشکلات مرتبط با تحول اطلاعات را جزء مسائل واضح و روشنی می‌دانند که در برگیرنده عوامل مربوط به جهانی شدن است، که سرانجام منجر به تضعیف استقلال و امنیت کشورها می‌شود. به علت تحول در اطلاعات فعالان غیر دولتی از نظر کمی و کیفی افزایش پیدا کرده‌اند. اینترنت نه تنها امکان ارتباطات با جهان واقعی را فراهم می‌کند، بلکه برای کسانی که روی شبکه به صورت آنلاین هستند نیز، مفید و سازنده است. اینترنت مانند تیغی دو لبه دارای تأثیرات مثبت و منفی می‌باشد؛ زیرا ممکن است باعث کاهش انسجام، مشارکت و آزادسازی و افزایش ترور، جرائم فراملیتی و در مواردی هم بی‌ثباتی کشور شود.^۱ در مجموع دیدگاه کلی متفکرین لیبرالیست نسبت به امنیت بین‌الملل عبارت است از این که جنگ شدیدترین تهدید امنیتی و بدترین پدیده در نظام بین‌الملل محسوب

می‌شود؛ جنگ پدیده‌ای اجتناب‌ناپذیر است اما می‌توان با تمسک به سازمان‌های بین‌المللی آن را از بین برد؛ جامعه بین‌المللی باید حذف نهادهای جنگ طلب و امنیت زدا را در دستور کار خود قرار دهد؛ با استفاده از ابزارهای مسالمت‌آمیز نظیر دیپلماسی، حقوق بین‌الملل، سازمان‌های بین‌المللی و نیز با توسعه رژیم‌های بین‌المللی و معاهدات می‌توان از بروز جنگ جلوگیری و امنیت را برقرار کرد؛ باید به نظام دسته‌جمعی توجه کرد، یعنی امنیت هر دولت مورد توجه دولت‌های دیگر نیز است، بنابراین دولت می‌پذیرد که در مقابله با مهاجم، پاسخ جمعی را برگزیند؛ حکومت جهانی ایده‌ای است با باورهای لیبرال درباره این که صلح نمی‌تواند در جهانی که به دولت‌های مختلف تقسیم شده، حاصل شود. به عبارت بهتر حالت جنگ و خصومت در جامعه بین‌الملل باید از طریق ایجاد حکومت جهانی پایان یابد. رویکرد لیبرالی علت ناامنی در نظام بین‌الملل را دولت محوری و تأکید شدید بر خودیاری در نظام بین‌الملل می‌داند.

تأکید لیبرال‌ها بر تعدد فعالان عرصه بین‌الملل مهمترین اصل تئوری پردازای امنیتی آنها در عصر اطلاعات است؛ با این وجود این موضوع هنوز توسعه و گسترش نیافته است. «ارکیولا» و «رونفلدت» (۲۰۰۱) جزء محققانی هستند که نه تنها اهداف اصلی لیبرال‌ها از جهانی شدن و سایر چالش‌های مرتبط به استقلال کشور را بررسی می‌کنند، بلکه به مسأله تعدد فعالان در مسائل امنیتی عصر اطلاعات نیز تأکید دارند. با این وجود لیبرال‌ها هیچگونه تلاشی در جهت ارتباط دادن تأثیر تحول اطلاعات بر قدرت تبیین نظریه خود و مقوله امنیت معاصر، ارائه نکرده‌اند.

۳-۵) سازه‌انگاری

در اواخر دهه ۱۹۸۰، سازه‌انگاری در اصول روابط بین‌الملل پدیدار گردید. سازه‌انگاری رهیافتی است که در تلاش است هم از موضع عقلانیت گرا و هم از موضع انعکاس گرا در تبیین پدیده‌های سیاسی و اجتماعی بهره‌مند شود، به همین خاطر است که ضمن پذیرش تعدادی از مفروضات دو رهیافت پیشین تعدادی از مفروضات را هم رد می‌کند. این نظریه از یک طرف ویژگی‌های سیاست بین‌الملل

۱. چنین برداشتی موجبات ترسی را فراهم می‌کند که تصمیم‌گیرندگان نمی‌توانند امنیت داخلی را برقرار کنند و قادر نیستند کشور را علیه تهدیدات فراملیتی آماده سازند. بر اساس تئوری «جامعه پرخطر» جامعه‌شناس آلمانی، «پولریچ بک» (۱۹۹۲، ۱۹۹۹) که بر اصول لیبرال‌ها انتقاد نموده است، تصویری خیالی از نوگرایی ارائه می‌شود. در بررسی وی تحول و افزایش وابستگی به تکنولوژی‌های نوین موجبات خطرات جدید را فراهم می‌نماید. از این نظر تأکید بر تأثیرات فیزیکی فناوری‌های جدید بر ارتباطات، تولید انرژی و تجارت وجود دارد. «بک» بر این مسأله تأکید می‌کند که فناوری‌های نوین بر زندگی افراد تأثیر منفی می‌گذارد.

مورد تأکید نئورئالیست ها و نئولیبرالیست ها را به عنوان رهیافت های عقلایی می پذیرد و از طرف دیگر به معنایی که بازیگران به کنش های خود می دهند، می پردازد. مطالعات امنیتی سازه انگاران بر دو فرض عمده بنا شده است؛ نخست آن که ساختارهای اساسی سیاست بین الملل ساخته و پرداخته ساختارهای ذهنی-اجتماعی است و دوم آن که تحول، تغییر نگرش و تفکر در مطالعه روابط بین الملل می تواند به تغییر وضعیت امنیت بین الملل و بهبود آن منجر شود. به عبارتی، بین تغییر نگرش و تغییر وضعیت امنیت ارتباط مستقیمی وجود دارد. (Wight,2002:36; Adler,1997:63-319)

مهمترین نکته هستی شناختی که در تحلیل سازه انگاری از امنیت به چشم می خورد، تمرکز بر عوامل فرامادی در تکوین امنیت ملی است. حاصل این است که اولاً، شناخت آدمی واقعیت را شکل می دهد؛ ثانیاً این شناخت در اجتماع شکل می گیرد و نمی توان از شناخت ازلی و کلی دفاع کرد؛ ثالثاً شناخت ها و برداشت ها را می توان در قالب مناطق طبقه بندی کرد؛ رابعاً دولت دیگر تنها موضوع و میدان دار مناطق نیست بلکه منطقه از مجموع کشورهای تشکیل دهنده آن استقلال دارد و در آخر این که برخلاف غالب تحلیل ها که قدرت را به دو دسته سخت افزاری و نرم افزاری تقسیم می کنند، نوع جدیدی از قدرت که ریشه در باورهای تاریخی، اصالت منطقه ای، مداومت تاریخی و پیوستگی جغرافیایی دارد، در تدارک و تمهید ثبات کشورها، بسیار مؤثر است.

سازه انگاران با توجه به درک فعالیت های سیاسی و اجتماعی، ناگزیر از تأکید بر «تفسیر واقعیت» هستند. آنها تأکید می کنند که هم واقعیت های اساسی و عینی (مانند رایانه ها) وجود دارد و هم واقعیت های اجتماعی-ذهنی، (هویت، ارزش ها، هنجارها) که متمایز ساختن این دو واقعیت امری ارزشمند و جدی است. بحث اینجاست که واقعیت های عینی و ذهنی محدود و مقیدند و همواره مستعد تغییر و تحول می باشند. بنابراین طبق استدلال سازه انگاران واقعیت های اجتماعی مانند منافع و هویت ها هرگز نمی توانند ایستا باقی بمانند و مکرراً بازتولید می شوند. در جایی دیگر مسأله چرایی وجود واقعیات اجتماعی است و این که سازه انگاران می پرسند چگونه واقعیت های اجتماعی-ذهنی، همان گونه که هستند خود را نشان می دهند.

(Adler,2002:95-118;Wendt,1992:391-425)

هنجارها، هویت‌ها را شکل می‌بخشند و هویت‌ها منافع را تشکیل می‌دهند. به عبارتی در سازه‌انگاری، هنجارها فهم مشترکی هستند که هویت و منافع بازیگران را پدید می‌آورند. وجود و نفوذ هنجارها به این معنی است که ساختار-کارگزار با هم در کنش و واکنش هستند. بنابراین، روابط بین‌الملل مشروط به جامعه است و از نظر سازه‌انگاران، امنیت، صرفاً در عرصه بین‌المللی و بدون ارتباط با جامعه شکل نخواهد گرفت. برخلاف اعتقاد خردگرایان، تمامی این عوامل پویا و فعال می‌باشند. بنابراین اگر منافع تغییر کرد به خاطر تغییر اساسی در هویت‌ها و هنجارهاست. (Adler, 2002: 95-118; compare Ruggie, 1998)

بررسی‌های امنیتی سازه‌انگاران در گسترش و تشریح مفهوم امنیت و تحقیقات پیرامون سیاست‌های امنیتی نقش داشته و همچنین ارتباط بین سیاست‌های امنیتی و هویت ملی را روشن می‌سازد. به اعتقاد سازه‌انگاران، به منظور فهم معنای امنیت ابتدا باید دولت را بررسی کرد و دولت امری است که در اجتماع بر ساخته می‌شود. ماهیت تأسیسی و نه طبیعی دولت، نشان می‌دهد که امنیت نیز کاملاً بر ساخته تصور آدمیانی است که در اجتماع زندگی می‌کنند و تصور همین آدم‌ها در برخی موارد واقعی و می‌تواند غالباً خیالی باشد. به این ترتیب موضوع «هویت» وارد مطالعات امنیتی می‌شود. (Buzan et al, 1998: 134-156; Katzenstein, 1996: 249-275; (Waever et al, 1993: 111-167)

هنگام کاربرد تئوری رئالیسم یا لیبرالیسم، نمی‌توان به خوبی مشخص کرد که این اصول به گونه‌ای جامع تهدیدات اطلاعاتی را بر امنیت وارد می‌دانند یا نه. رئالیست‌ها بر تهدیدات شدید فعالان داخلی (جنگ بین کشورها) تأکید دارند در صورتی که لیبرال‌ها درصددند تا درون‌نمای وسیع‌تری را به کار گیرند، یعنی هم تهدید فعالان غیردولتی و هم تهدید ساختار و زیربنا (Compare Sundelius, 1983). از طرف دیگر سازه‌انگاری در این مورد نقطه نظر کلی ارائه نمی‌دهد که چگونه می‌توان یا نمی‌توان امنیت را تهدید کرد و چگونه می‌توان با این تهدیدات روبرو شد. سازه‌انگاران بیشتر به فعل «شدن» (گردیدن) تأکید دارند تا به «توانستن» یا «نتوانستن». (Adler, 2002: 95) با این وجود تحقیقات امنیتی سازه‌انگاران نشان می‌دهد که بر هویت و تهدیدات وارده بر آن تأکید دارند. (See, Buzan et al, 1998: 134-156) سازه‌انگاران منشاء امنیت و ناامنی را در شیوه تفکر بازیگران نسبت به فرصت‌ها

و تهدیدات جستجو می کنند و معتقدند هر اندازه ادراک و نحوه نگرش بازیگران نسبت به پدیده ها نامتجانس تر و متناقض تر باشد به همان اندازه درجه بی اعتمادی میان آنان افزایش می یابد و دولت ها بیشتر به سمت خودیاری و خودمحوری متمایل می شوند. اما اگر بتوان میان دولت ها، ساختاری از دانش و بینش مشترک ایجاد نمود، می توان آنها را به سمت جامعه امنیتی صلح آمیزتری رهنمون کرد.

راهکار ارزشمند سازه انگاری در مورد امنیت، نظریه «تأمین امنیت یا امنیت سازی» است. این تئوری در مورد چگونگی، چه وقت و با چه، فعالان سیاسی هر مسأله ای مانند موضوع امنیت را طراحی می کند (Buzan et al, 1998:134-156; Waever, 1995:19-37) که تأکید آن بر «قدرت زبان و کلام» (بیان سیاسی) و مفاهیم مربوطه می باشد. ایجاد امنیت بیانگر این مسأله است که تهدیدات موجود شناسایی شده است و «قدرت زبان»، بر مسائل سیاسی، معیارهای منطقی فوق العاده (مانند راز داری و پنهان کاری)، قدرت استفاده از توان، نیرو و تجاوز به زندگی خصوصی، ارجحیت دارد. در حالی که نظریه تأمین امنیت فهم عمیقی از امنیت را به دست آورده، اما اصلاً توجهی به تحول اطلاعات نداشته است. (Williams, 2003:31-511)

البته برخی از سازه انگاران تأکید دارند که چگونه رقابت اطلاعاتی، مرزهای جغرافیایی و خصوصاً مرزهای هویتی را زیر سؤال می برد و دچار بحران می کند. طبق استدلال «ایورارد» (۲۰۰۰) رقابت و جنگ اطلاعاتی نوع خاصی از «پیکار بر سر هویت» است که در آن تمامی حدود و مرزها دچار بحران می شوند، مانند شکاف های طبقاتی داخلی و جهانی. بنابراین هویت دولت-ملت ها در معرض خطر قرار می گیرد. (Compare Saco, 1999:261-292) انقلاب اطلاعاتی، همراه با جریان روان و باز آن، با ایجاد تحول در باورها، ارزش ها، اعتقادات، تصاویر، ادراکات و ذهنیات جامعه، زمینه را برای «پذیرش» فراهم می کنند. این نقش که امروزه بسیار اهمیت پیدا کرده است موجب می شود تا به جای اعمال ابزارهای ملموس، نیروهای غیرملموس و یا به عبارتی، پیام ها، نمادها، اخبار و اطلاعات، اهمیت بیشتری پیدا کنند. از دید سازه انگاران در الگوی اطلاعات، ابزارهای غیر ملموس شرایط را برای امتناع یا به عبارتی تسلیم فراهم می کنند، امنیت در الگوی اطلاعات مفهوم قانع کردن یا تسلیم بدون به کارگیری زور به خود می گیرد.

تحقیق سازه انگاری پیرامون امنیت در دنیای کنونی نشانه ی تأکید بر اهمیت

ذهنیات، نمادها و واقعیات مادی (مانند رایانه‌ها) است. به گفته «دردریان» یکی از آثار جنگ در عصر اطلاعات این است که جنگ بازیگرانش را از واقعیت خون‌بار جنگ دور می‌سازد. جنگ اطلاعاتی شبیه به بازی‌های رایانه‌ای می‌باشد که در آن با استفاده از موس و صفحه‌کلید، بازی را شبیه‌سازی و طراحی می‌کنند. در واقع مرز بین دنیای واقعی و مجازی نامشخص است. امروزه صنعت فیلم‌سازی، بازی‌ها و شبیه‌سازی‌های رایانه‌ای با تأثیرگذاری خود و نیز با ابزار آلات و نرم‌افزارهای ننی، منبع مهمی از مهارت و تخصص برای نظامیان به حساب می‌آیند. (Der De- rian,2000:88-139; Everard,2000: 31-94)

در مجموع، سازه‌انگاران سرچشمه امنیت و ناامنی را در نحوه تفکر و ادراک بازیگران از یکدیگر می‌دانند و بر این اعتقادند که معضلات امنیتی، عوامل طبیعی و غیر قابل اجتناب نیستند، اما در خصوص امکان اجتناب از این معضلات، میان آنها اختلاف نظر وجود دارد. برخی از آنها معتقدند که ساختارهای اجتماعی، چنان عملکردها را تحت قید و بند خود در می‌آورند که اتخاذ هرگونه راهبرد و برنامه‌ای برای تغییر آن ناممکن می‌شود. این مهم نشان می‌دهد که اولاً سازه‌انگاران در خصوص امنیت زایی یا امنیت زدایی عوامل اجتماعی متفق‌القول نیستند و ثانیاً برخی از آنها امکان شکل‌گیری دانش و فهم مشترک را در ساختارهای اجتماعی و در همه زمان‌ها و مکان‌ها ممکن نمی‌دانند. علاوه بر آن به نظر می‌رسد سازه‌انگاری که در پی پیوند میان عوامل مادی و غیرمادی در مبحث امنیت است، در برخی از موضوعات بیش از حد بر عوامل ذهنی تکیه می‌کند و از توجه کافی به عوامل عینی و مادی غفلت می‌ورزد.

نتیجه‌گیری

از آغاز دوره نظام و ستفالیایی تا دهه‌های اخیر امنیت بین‌المللی عمدتاً در قالب امنیت نظامی تعریف می‌گردید، در حالی که امروزه محوریت امنیت نظامی زیر سؤال رفته است و امنیت بین‌المللی در ابعاد مختلف سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی و... تعریف می‌گردد. امنیت در الگوی اطلاعات مفهوم قانع‌کردن یا تسلیم بدون به‌کارگیری زور به خود می‌گیرد. در اینجا قدرت قانع‌کردن که بر حسب میزان اطلاعات، گستره ابزارهای انتقال اطلاعات، میزان نفوذ بر افکار عمومی و در نهایت قابلیت انعطاف در طرح خواسته‌ها و شیوه‌های حصول به اهداف، قابل تعریف

است، جای نیروهای فیزیکی، نظامی و از این قبیل را می گیرد.

در دوران کنونی، رئالیست ها در زمینه ایجاد امنیت به قدرت سخت افزاری نظامی توجه می کنند و جنگ را نظم طبیعی امور می دانند. در مقابل لیبرال ها جنگ را تمایل طبیعی امور نمی دانند و ضمن توجه به قدرت نرم افزاری بر این اعتقاد هستند که می توان از طریق توسعه ارتباطات اقتصادی و آزادی تجارت و نیز گسترش سازمان های بین المللی، ثبات و امنیت را ایجاد نمود و از جنگ اجتناب ورزید. مکتب سازه انگاری نیز به دنبال پیوند میان امور مادی و غیر مادی در مقوله امنیت است. این دیدگاه به تغییر نگرش ها، تفسیر ها و ادراکات توجه دارد و بین هویت، منافع و امنیت رابطه مستقیمی برقرار می کند.

اما هیچ یک از رویکردهای فوق به تنهایی پاسخگوی کامل مسائل سیاست بین الملل و ابعاد گوناگون آن نیستند. به عبارت بهتر، آنها همه ی پاسخ ها را نزد خود ندارند. هر یک از آنها نظام بین الملل را از زاویه ای خاص می بیند و نمی توان گفت که کدام یک بهترین است. بنابراین به نظر می رسد که هیچ یک از این تئوری ها توانایی تام تجزیه و تحلیل امنیت جهانی در عصر اطلاعات را ندارند. زیرا در مورد مسائل امنیتی عصر اطلاعات دو مشکل مرتبط به هم وجود دارد؛ نخست، نظریه و عمل چنان مبهم هستند که به سختی تحت تاثیر همدیگر قرار می گیرند؛ ثانیاً، نظریات روابط بین الملل دچار دوگانگی تحکیم یافته ای شده اند، یکی نپذیرفتن این نظریه ها از نظر فنی - اصولی و دیگر مشکلات و موانع موجود در عصر اطلاعات که در بررسی ها آشکار می شود.

برای حل این مشکلات یک راه وجود دارد، آن هم «ایجاد و پذیرفتن یک راهکار عملی». در حالی که در فلسفه عمل گرایی خطوط مختلفی وجود دارد ولی اصولاً پراگماتیسم^۱ بین نظریه و عمل، کثرت گرایی، تعمیم احتمالی، ایستادگی و مقاومت، ارتباط برقرار می کند تا این که مخالفت و تقابل تحکیم یافته نماید. در واقع به نظر می رسد باید بین نظریه و عمل پلی ارتباطی ایجاد کرد و در بررسی روابط بین الملل به تمایزات دو گانه غلبه پیدا نمود. پراگماتیسم می گوید که برای بسط دادن یک مفهوم ذهنی، فقط لازم است معین کنیم این مفهوم برای ایجاد چگونه رفتاری، به کار می آید

۱. پراگماتیسم یک نظریه فلسفی است که اصولاً توسط متفکران آمریکایی مانند «چارلز ساندرز» (۱۹۶۳) و «جان دیوی» (۱۹۴۸) توسعه و گسترش یافت. به اعتقاد پراگماتیست ها، نظریات ما اسباب و دست افزارهایی است که به منظور حل مسائل و مشکلات در تجربه خود به کار می بریم و بنابراین هر نظریه ای باید بر حسب موفقیت آن در ایفای این وظیفه مورد داوری قرار گیرد.

و آن رفتار معنای آن مفهوم ذهنی است. پس برای کسب وضوح بیشتر در افکارمان در یک موضوع، باید ببینیم و توجه کنیم که آن موضوع، حاوی چه نتایج عملی متصور است و چه تأثیراتی می‌توانیم از آن انتظار داشته باشیم و چه نوع واکنشی را باید تدارک ببینیم. از دیدگاه مکتب پراگماتیسم آن عقلانیتی مفید است که گره‌ئی از مشکلات تجربی و عملی ما بگشاید. مهمتر از آن این که، پیروان «اصالت عمل» معتقدند که واقعیت با پیشرفت اختراعات عوض می‌شود و چون واقعیت نسبت به زمان، مکان و غرض نسبی است، پیوسته تطور می‌پذیرد.

خوانندگان نکته بین ممکن است به فکر فرو روند که آیا «عمل‌گرایی» اصطلاح دیگری برای «تجربه‌گرایی» یا بدبینانه عمل کردن است؟ در واقع پراگماتیسم به نسبت یک نظریه ویژگی و جهت‌گیری متمایزتری دارد. به هر حال تئوری پردازی اولین قدم لازم جهت از بین بردن اختلاف میان نظریه و عمل است. با به کارگیری راهکار عملی و واقعی در بررسی‌های تحلیلی و تطبیقی، می‌توان اصلی را بنیان نهاد که در نظریه‌پردازی‌های دیگر می‌توانیم انجام دهیم، البته با تأکید بر زمینه‌های نظریه و موقعیت آن نه تعمیم دادن و عمومی کردن مسائل.

فهرست منابع

الف) فارسی

۱. بوریستون والتر (۱۳۶۸). «پیشرفت تکنولوژی و حاکمیت دولت‌ها». ترجمه علیرضا طیب. مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی. شماره (۳۰).
۲. پستمن نیل (۱۳۷۲). تکنوپولی، تسلیم فرهنگ به تکنولوژی. ترجمه صادق طباطبایی. تهران: نشر سروش.
۳. روزنا جیمز (۱۳۸۲). جهان آشوب زده، ترجمه علیرضا طیب. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی غیر انتفاعی.
۴. طیب علیرضا (۱۳۷۹). تکنولوژی اطلاعات. تهران: نشر سفیر.
۵. لوهان مک و هربرت مارشال (۱۳۷۷). برای درک رسانه ها. ترجمه سعید آذری. تهران: مرکز مطالعات و سنجش برنامه ریزی صدا و سیما.
۶. قوام عبدالعلی (۱۳۷۹). «جنوب عرضه ای برای آزمون نظریه ها و رویکردهای روابط بین الملل». فصلنامه سیاست خارجی. سال چهاردهم. شماره (۱).

ب) انگلیسی

7. Adler, E. (1997). "Seizing the Middle Ground: Constructivism in World Politics," *European Journal of International Relations* 3(3)
8. Adler, E. (2002). "Constructivism and International Relations," in W. Carlsnaes, T. Risse and B.A. Simmons (eds), *Handbook of International Relations*. London: Sage.
9. Alberts, D. and Papp, D., eds (1997). *The Information Age: An Anthology on Its Impacts and Consequences*. Washington, DC: National Defense University.
10. Allison, G.T. and Zelikow, P. (1999). *Essence of Decision: Explaining the Cuban Missile Crisis*, 2nd edn. New York: Longman.
11. Anderson, C. (1995). "The Accidental Superhighway. A Survey of the Internet," *The Economist*, July 1.
12. Arquilla, J. and Ronfeldt, D., eds (2001). *Networks and Netwars: The Future of Terror, Crime, and Militancy*. Santa Monica, CA: RAND.
13. Ayoob, M. (1997). "Defining Security: A Subaltern Realist Perspective," in K. Krause and M.C. Williams (eds), *Critical Security Studies: Concepts and Cases*. London: UCL Press.
14. Beck, U. (1992). *Risk Society: Towards a New Modernity*. London: Sage.
15. Beck, U. (1999). *World Risk Society*. London: Polity.
16. Bendrath, R. (2001). "The Cyberwar Debate: Perception and Politics in US Critical Infrastructure Protection," *Information and Security* 7.
17. Bendrath, R. (2003). "The American Cyber-Angst and the Real World - Any Link?" in R. Latham (ed.), *Bombs and Bandwidth: The Emerging Relationship Between IT and Security*. New York: New Press.
18. Buzan, B. (1991). *Peoples, States and Fear: An Agenda for International Security Studies in the Post- Cold War Era*, 2nd edn. Boulder, CO: Lynne Rienner.
19. Buzan, B., Waever, O. and De Wilde, J. (1998). *Security: A New Framework for Analysis*. Boulder, CO: Lynne Rienner.

20. Campen, A., Dearth, D. and Goodden, T. (1996). **Cyberwar: Security, Strategy and Conflict in the Information Age**. Fairfax, VA: AFCEA International Press.
21. Castells, M. (1989). **The Informational City: Information Technology, Economic Restructuring, and the Urban-Regional Process**. Oxford: Blackwell.
22. Castells, M. (1997). **The Information Age: Economy, Society and Culture, Vol. 2: The Power of Identity**. Malden, MA: Blackwell.
23. Castells, M. (1998). **The Information Age: Economy, Society and Culture, Vol. 3: End of Millennium**. Malden, MA: Blackwell.
24. Castells, M. (2000). **Information Age: Rise of the Network Society, Vol. 1, 2nd edn**. Malden, MA: Blackwell.
25. Choucri, N. (2000). "Introduction: CyberPolitics in International Relations," *International Political Science Review* 21(3)
26. CNN (1997). "Experts Prepare for an 'Electronic Pearl Harbor,'" November 7, URL(consulted February 27, 2003): <http://www.cnn.com/US/9711/07/terrorism.infrastructure>.
27. Denning, D.E. (2001a). "Activism, Hactivism, and Cyberterrorism: The Internet as a Tool for Influencing Foreign Policy," in J. Arquilla and J. Ronfeldt (eds), *Networks and Netwars: The Future of Terror, Crime, and Militancy*. Santa Monica, CA: RAND.
28. Denning, D.E. (2001b). "Is Cyber Terror Next?" *Essays on September 11*, Social Science Research Council, URL (consulted July 11, 2001): <http://www.ssrc.org/sept11/essays/denning.htm>.
29. Der Derian, J. (2000). "Virtuous War/Virtual Theory," *International Affairs* 76(4)
30. *The Economist* (2002). "A Survey of Digital Security," October 26.
31. Edwards, J. (2002). **Press release for the Cybersecurity Preparedness Act, January**, URL: <http://edwards.senate.gov/press/2002/jan28-pr.html>.
32. Erbschloe, M. (2001). **Information Warfare: How to Survive Cyber Attacks**. Berkeley, CA: Osborne and McGraw Hill.
33. Everard, J. (2000). **Virtual States: The Internet and the Boundaries of the Nation-State**. London: Routledge.
34. Fearon, J. and Wendt, A. (2002). "Rationalism and Constructivism: A Skeptical View," in W. Carlsnaes, T. Risse and B.A. Simmons (eds), *Handbook of International Relations*. London: Sage.
35. Ferdinand, Peter (2000), **the Internet, Democracy & Democratization**. London. Frances Publisher.
36. Forno, R. (2002). **Quotes on "Electronic Pearl Harbor,"** July 25, URL: <http://www.soci.niu.edu/~crypt/other/harbor.htm>.
37. Fountain, J.E. (2001). **Building the Virtual State: Information Technology and Institutional Change**. Washington, DC: Brookings Institution.
38. Freedman, D.H. (2000). "How to Hack a Bank," URL (consulted July 25, 2002): <http://www.forbes.com/asap/2000/0403/056.html>.
39. Furnell, S. (2002). **Cybercrime: Vandalizing the Information Society**. Edin-

burgh: Pearson Education.

40. Giacomello, G. (2005). **National Governments and Control of the Internet: A Digital Challenge**. London: Routledge.

41. Giacomello, G. and Mendez, F. (2001). "Cuius Regio, Eius Religio, Omnium Spatio? State Sovereignty in the Age of the Internet," *Information and Security* 7

42. Gibson, W. (1984). **Neuromancer**. New York: Ace.

43. Gilpin, R. (1986). "The Richness of the Tradition of Political Realism," in R. Keohane (ed.), *Neorealism and Its Critics*. New York: Columbia University Press.

44. Gourevitch, P. (1978). "The Second Image Reversed: The International Sources of Domestic Politics," *International Organization* 32(4)

45. Hammond, A.L. (2001). "Digitally Empowered Development," *Foreign Affairs*, March-April.

46. Harshberger, E. and Ochmanek, D. (1999). "Information and Warfare: New Opportunities for US Military," in Z.M. Khalilzad and J.P. White (eds), *Strategic Appraisal: The Changing Role of Information in Warfare*. Santa Monica, CA: RAND.

47. Henry, R. and Peartree, C.E., eds (1998). **The Information Revolution and International Security**. Washington, DC: Center for Strategic and International Studies.

48. Herd, G.P. (2000). "The Counter-Terrorist Operation in Chechnya: Information Warfare Aspects," *Journal of Slavic Military Studies* 13(4)

49. Katzenstein, P. (1996). **The Culture of National Security: Norms and Identity in World Politics**. New York: Columbia University Press.

50. Katzenstein, P., Keohane, R.O. and Krasner, S. (1998). "International Organization and the Study of World Politics," *International Organization* 52(4)

51. Keohane, R. and Nye, J.S. (1977). **Power and Interdependence: World Politics in Transition**. Boston, MA: Little Brown.

52. Keohane, R. and Nye, J.S. (1989). **Power and Interdependence**. New York: Harper Collins.

53. Keohane, R. and Nye, J.S. (1998). "Power and Interdependence in the Information Age," *Foreign Affairs* 77(5)

54. Khalilzad, Z., White, J. and Marshall, A.W. (1999). **Strategic Appraisal: The Changing Role of Information in Warfare**. Santa Monica, CA: RAND.

55. Knox, M. and Murray, W., eds (2001). **The Dynamics of Military Revolution, 1300–2005**. Cambridge: Cambridge University Press.

56. Krasner, S. (1995). "Power Politics: Institutions and Transnational Relations," in T. Risse-Kappen (ed.), *Bringing Transnational Relations Back In*. Cambridge: Cambridge University Press.

57. Latham, R., ed. (2003). **Bombs and Bandwidth: The Emerging Relationship Between IT and Security**. New York: New Press.

58. Latham, Robert (2000). **Social Sovereignty Theory**, *Culture & Society*. Vol. 17, No.4

59. Lebow, R.N. and Risse-Kappen, T. (1995). **International Relations and the End of the Cold War**. New York: Columbia University Press.

60. Libicki, M. (1997). **Defending Cyberspace**. Washington, DC: National Defense University.
61. Lonsdale, D.J. (1999). "Information Power: Strategy, Geopolitics, and the Fifth Dimension," *Journal of Strategic Studies* 22(2-3)
62. Moravcsik, A., ed. (1998). **Centralization or Fragmentation? Europe Facing the Challenges of Deepening, Diversity, and Democracy**. New York: Council on Foreign Relations.
63. Moravcsik, A., ed. (1999). **The Choice for Europe: Social Purpose and State Power from Messina to Maastricht**. London: UCL Press.
64. Morgenthau, H.J. (1993). **Politics Among Nations: The Struggle for Power and Peace**, brief edn, revised by K.W. Thompson. New York: McGraw Hill.
65. Mowlana, H. (1997). **Global Information and World Communication: New Frontiers in International Relations**. London: Sage.
66. Müller, H. (2002). "Security Cooperation," in W. Carlsnaes, T. Risse and B.A. Simmons(eds), *Handbook of International Relations*. London: Sage.
67. Norris, P. (2001). **Digital Divide: Civic Engagement, Information Poverty, and the Internet Worldwide**. Cambridge: Cambridge University Press.
68. Nye, J.S., Jr (2003). **Understanding International Conflicts: An Introduction to Theory and History**, 4th edn. New York: Pearson and Addison Wesley.
69. Nye, J.S., Jr (2004a). **Soft Power: The Means to Success in World Politics**. New York: Public Affairs.
70. Nye, J.S., Jr (2004b). **Power in the Global Information Age: From Realism to Globalization**. London: Routledge.
71. O'Day, A., ed. (2004). **Cyberterrorism**. Aldershot: Ashgate.
72. PCCIP (2000). "Fact Sheet," President's Commission on Critical Infrastructure Protection, URL (consulted June 20, 2002): <http://www.infosec.com/pccip/web/backgrd.html>
73. Polikanov, D., ed. (2001). **Information Challenges to National and International Security**. Moscow: PIR Center.
74. Ridge, T. (2002). **Remarks by Homeland Security Director Tom Ridge to the Electronics Industry Alliance**, Grand Hyatt Hotel, April 23, 2002. Washington, DC: White House, Office of the Press Secretary.
75. Risse-Kappen, T., ed. (1995). **Bringing Transnational Relations Back In: Non-State Actors, Domestic Structures, and International Institutions**. Cambridge: Cambridge University Press.
76. Rosecrance, R.N. (1999). **The Rise of the Virtual State: Wealth and Power in the Coming Century**. New York: Basic Books.
77. Rosenau, James N.(2007) **Governing the Ungovernable: The Challenge of a Global Disaggregation of Authority**, Political Science Department, the George Washington University, Washington, DC, USA, Journal compilation, Regulation & Governance .
78. Ruggie, J.G. (1998). **Constructing the World Polity: Essays on International Institutionalism**. London: Routledge.
79. Russett, B. and Anholis, W. (1994). **Grasping the Democratic Peace: Principles**

for a Post-Cold War World. Princeton, NJ: Princeton University Press.

80. Saco, D. (1999). "Colonizing Cyberspace: National Security and the Internet," in J. Weldes, M. Laffey, H. Gusterson and R. Duvall (eds), Cultures of Insecurity: States, Communities, and the Production of Danger. Minneapolis: University of Minnesota Press.

81. Schmidt, B.C. (2002). "On the History and Historiography of International Relations," in W. Carlsnaes, T. Risse and B.A. Simmons (eds), Handbook of International Relations. London: Sage.

82. Schwartau, W. (1995). **Information Warfare**. Emeryville: Publisher Group West.

83. Schwartau, W. (1997). "An Introduction to Information Warfare," in R.L. Pfaltzgraff Jr and R.H. Shultz Jr (eds), War in the Information Age: New Challenges for US Security Policy. Washington, DC and London: Brassey's.

84. Smith, G. (1998). "An Electronic Pearl Harbor? Not Likely," Issues in Science and Technology, URL (consulted June 20, 1998): <http://205.130.85.236/issues/15.1/smith.htm>.

85. Snyder, J. (1991). **Myths of Empire**. Ithaca, NY: Cornell University Press.

86. Sundelius, B. (1983). "Coping with Structural Security Threats," in O. Höll (ed.), Small States in Europe and Dependence. Wien: Braumüller.

87. Tengelin, V. (1981). "The Vulnerability of the Computerised Society," in H. Gassmann(ed.), Information, Computer and Communication Policies for the '80s. Amsterdam: North Holland Publishing Company.

88. Van Creveld, M. (1991). **The Transformation of War**. New York: Free Press; Oxford: Maxwell Macmillan International.

89. Waever, O. (1995). "Securitization and Desecuritization," in R.D. Lipshutz (ed.), On Security. New York: Columbia University Press.

90. Waever, O. et al. (1993). **Identity, Migration and the New Security Agenda in Europe**. New York: St. Martin's Press.

91. Walker, R.B.J. (1993). **Inside/Outside: International Relations as Political Theory**. Cambridge: Cambridge University Press.

92. Walt, S. (1994). "The Renaissance of Security Studies," International Studies Quarterly 35(2)

93. Wendt, A. (1992). "Anarchy Is What States Make of It: The Social Construction of Power Politics," International Organization 46.

94. Wight, C. (2002). "Philosophy of Social Science and International Relations," in W. Carlsnaes, T. Risse and B.A. Simmons (eds), Handbook of International Relations. London: Sage.

95. Williams, M.C. (2003). "Words, Images, Enemies: Securitization and International Politics," International Studies Quarterly 47(4)

96. Wolfers, A. (1962). **Discord and Collaboration: Essays on International Politics**. Baltimore, MD: Johns Hopkins University Press.

97. Yourdon, E. (2002). **Byte Wars – The Impact of September 11 on Information Technology**. Upper Saddle River, NJ: Prentice Hall PTR.



پروفیسر گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی